محوریت تقویم کره و اکتفاء به احکام محلی در حد ضرورت

(42:52)

استاد: در جلسه قبل آقا فرمودند. ایشان گفتند شما احکامی که مربوط بهروز و شب هستند را چه کار میکنید؟ طولیت را مطرح فرمودند و گفتند بهصورت طولی مانعی ندارد. نکتهای هم که باید اضافه بشود، این است: من که عرض میکنم قبول است که در آن بلاد احکام دائر مدار روز و شب است، به حد ضرورت اکتفاء میکنیم. نه اینکه بخواهیم بگوییم حالا که نصف النهار مبدأ داریم، دوباره همه سراغ تقویم کلی بروند. نه، ما با نصف النهار مبدأ که نصف النهار دحو الارض است، مُعظمِ کره را ساماندهی میکنیم. به میقات و تقویم واحد بر میگردانیم. فقط بخشی از کره است -به یکی از آقایان عرض کردم به دنبالش برویم و موردش را پیدا کنیم- که باظاهر ادله صوم شب و روز، دچار محلی گری میشویم. یعنی چارهای نداریم در آن بخش، [محلی باشیم.] چرا؟ بهخاطر اینکه در انشاء احکام طولی، حکم طولی چه زمانی فعال میشد؟ آن وقتی که دست ما از حکم قبلی کوتاه میشد. وقتی دست ما از نصف النهار دحو الارض برای ساماندهی تقویم واحد کوتاه شد، آن وقت سراغ حکم طولی میرویم و میگوییم شما طبق این میزان از طلوع خورشید خودتان روزه بگیرید. چون شما در مکان ناچاری هستید. و الّا تا مادامی که بتوانیم کل را ساماندهی کنیم، طبق آن جلو میرویم.

شاگرد: ایشان میگوید من به جای اینکه یک نصف النهار مبدأ بگیرم، متغیر میگیرم.

استاد: ایشان نمیخواهند قول مشهور را بگویند. ایشان میخواهند با یک نصف النهار برای امت اسلامیه در کل کره، یک میقات میگذاریم. شبیه مطلبی که در ماه فروردین گفتم. البته بعدش میگویند در ماه شمسی مشکلی نیست. همان را اعتبار میکنیم. البته در ماه شمسی هم همین است. تفاوتی گفتند که نرسیدم بخوانم. خود شما نگاه کنید.

شاگرد۲: به این مشکل پاسخ میدهند:

> **ويمكن الحل بان نضم الى ذلك اعتبار الغروب لكل بلد بنحو يشبه الشرط المتاخر بأن يقال أنه إذا رئي الهلال في مكة -أو أية نقطة من الكرة على المختار- فقد حل الشهر لكل الكرة وليترقب اهل كل منطقة تجدد الغروب عندهم فيحل الشهر عليهم آنذاك وبهذا تحصل الميقاتية ايضا حيث ان الكل يترصدون الغروب وحلول الشهر عليهم**
>
> **والا يضر هذا القليل بالميقاتية بعد ان لم يكن بد منه[1]**

یعنی می‌گوید جایی که روز است، صبر کند تا غروبش برسد.

شاگرد۲: مشکلش همانی است که فرمودید؛ مثلاً یک لحظه بعد از طلوع فجرش است، باید صبر کند تا فردا ماه رمضانش است.

استاد: اگر لوازم این حرف پیدا بشود، خوب است.

شاگرد۳: در ساعت دوازده نصف النهار مبدأ، همه کره یک روز است. وقتی می‌خواهیم متعدد بگیریم، یک روز درست نمی‌شود. باید مبدأئی را بگیریم که زمین یک روز را داشته باشد. اما بیان ایشان هیچ وقت یک روز را درست نمی‌کند.

استاد: اینها فی الجمله سؤالاتی بود که مطرح است.

شاگرد: شارع که نمی‌توانست اول این کار را انجام بدهد. یعنی وقتی هنوز ارتباطات نبوده، نمی‌توانند بگویند اگر یک جا رؤیت شد برای همه بگذارید. اگر هم قرار باشد هر ماه عوض بشود، میقاتیت نمی‌سازد.

استاد: برای جلسه بعدی روی این تأمل کنید. تأکید می‌کنم؛ ما روی نصف النهار دحو الارض این قدرت را پیدا کردیم که از اول تاریخ تا حالا بیائیم. در فرمایشاتی که همه اعزّه فرمودند، این مخفی می شود و این را توضیح نمی‌دهند. این را توضیح بدهید. ما روی دحو الارض کل تاریخ را سامان‌دهی می‌کنیم و با وجه ثبوتی جلو می‌آئیم و برچسب ها را می‌زنیم. اما طبق این فرمایشاتی که می‌فرمایند، آن از دستمان می‌رود. هر ماه و با ملاحظات خاص خودش و اینها، اگر صلاح دیدند توضیحاتی هم بدهند. هر چه این بحث ها بیشتر روشن شود، بعداً که خواستید فکر کنید و تحقیقی ارائه بدهید، ذهنتان در همه محتملات حاضرتر است.

شاگرد۲: با توجه به این مباحث، وجوب صیام چه می‌شود؟

استاد: وقتی ماه مبارک حلول کرد، اولین روز آن در هر محلی را روزه می‌گیرند. وقتی ماه مبارک حلول کرد، اولین روز آن محل چه روزی است؟ مکرر گفتم چون یک ماه بیست و نه روز و نیم است، بخشی از شب و روز، این طرف و آن طرف واقع می‌شود. لذا وقتی آن روز را روزه می‌گیرند، چاره‌ای ندارید که روز آن محل را برای حلول شهر خالص کنید. پس اگر حلول شهرتان قبل از زوال بود، باید بگوئیم چون هنوز احکام تا نصف روز مستقر نیست، ولو بعد از ساعت ده صبح هم اهلال هلال شده باشد، از طلوع فجر صادقتان باید روزه بگیرید و روز اول ماه است و صوم بر شما واجب است. این طبق آن مبنائی است که عرض کردم بیشتر می‌توانیم نظم بدهیم؛ همان فرمایش سید در زوال بود. البته برای غروبش هم می‌شود. فعلاً زوال را تقریر کردم. وجوب صوم با حلول شهر واجب می‌شود. حلول شهر در هر محلی به این صورت است که باید روز آن محل را این حلول نسبت سنجی کنیم. وقتی نسبت سنجی کردیم در اوفق موارد، شهر مبارک در روز این محل حلول کرده است، پس بر اهل این محل و افق واجب است که روزه بگیرند. این به گمانم واضح است.

شاگرد: محدوده محل چقدر می‌شود؟

استاد: طلوع فجر آن محل تا غروبشان می‌شود. «وَكُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلْخَيْطُ ٱلْأَبْيَضُ مِنَ ٱلْخَيْطِ ٱلْأَسْوَدِ مِنَ ٱلْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا۟ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيْلِ»[2] فاصله روز اینها است. هر محلی یک «الخیط الابیض» دارد و یک «الی اللیل» دارد. این فاصله روز آن است که باید روزه بگیرد. اگر در این فاصله روز، شهر مبارک حلول کرد، به‌نحوی‌که آن حلول بتواند روز این محل را سامان‌دهی کند –به‌گونه‌ای‌که بگوئیم روز اول ماه مبارک است- به آنها می‌گوئیم امروز روز اول ماه

است و «یجب علیک الصوم». این روی مبنای مرحوم سید خیلی واضح است. البته روی مبنای غرب هم تقریری دارد که عرض کردهام و قابل تامل است.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] فدکیه

[2] البقره ۱۸۷

بازبینی #2
ایجاد شده 24 ژانویه 2026 15:41:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژانویه 2026 15:43:42 توسط ... .